



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



آر علی محمد مصباحی

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

آموزه های مکتب

حسینی

حسین محمدی مبارز



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آموزه‌های مکتب حسینی

نویسنده:

حسین محمدی مبارز

ناشر چاپی:

حسین محمدی مبارز

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	آموزه‌های مکتب حسینی
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	خورشید خونین
۹	ناخدای عشق
۱۰	بارگاه قدس
۱۰	مومنین اندکند
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

آموزه‌های مکتب حسینی

مشخصات کتاب

نویسنده: حسین محمدی مبارز

ناشر: حسین محمدی مبارز

مقدمه

هر نوشته‌ای دارای مطلع و متن و مقطع است اما حقیر کوشیدم که تقریباً هر صفحه این نوشته چنین باشد؛ به طوری که صدر و جوف و ذیل این سخنان حسین (ع) و عشق و نماز است در حالی که مطلع و متن و مقطع قیام و زندگی امام حسین (ع)، خدا بود و خدا بود و خدا. سخن در این وادی بسیار است و توفیق گفتن نیست از طرفی کم گفتن برای ماثواب است چون نمی‌دانیم چه بگوئیم با آن که سخن به لطف آب است کم گفتن هر سخن صواب است نظامی پس بنده بدین جمله بسنده میکنم که روی سخنم با عاشقان و دیوانگان است با عاشقان و دیوانگان خدای حسین (ع). با این که در نگارش هیچم ولی به لطف خداوند متعال با دست بسته و قلم شکسته این مقاله را تحریر نمودم

خورشید خونین

اشارت کرده پیغمبر از این ماه در آید نسل خورشید شبانگاه که یعنی ماه پیغمبر (ص) از آن روز مبدل شد به خورشید شب افروز به خورشید طبیعت گشته سرور از آن روزی که شد نور پیمبر (ص) پیمبر (ص) گفته بر آنان حسینم (ع) ز من هست و منم از نور عینم ولی فانوس احمد (ص) را شکستند چرا خورشید را بر نیزه بستند؟ که چون در گوش دشمن می‌زند کوس به تاریکی و ظلمت گشته فانوس که چون باشد چراغ ناخدایان چه کس جز او شود کشتی طوفان به نامش ثبت گشته کشتی نوح نشیند نام مولا بر تن و روح حسین بن علی (ع) دریای در بود چرا بستند رویش آب یک رود؟ کجا دیدی کنار رود پُر آب بماند غنچه‌ای بی آب و بی تاب در آن جا عمه باشد ابر ایمان که از دریای صبر آورده باران بجز زینب که باشد سنبل صبر؟ که گیرد آب کوثر را کند ابروی چشمان زینب می‌شود تار که آمد بر گلوی لاله‌ای خارپرستار زمین کربلا گفت «چرا در ظهر عاشورا زمان خفت چرا شد آسمان همرنگ لاله چه شد ناگه زمین زد زیر ناله چرا دریا به خون غلتیده رویش خدایا رود خون آمد به سویش چرا دید زمین شد آسمانی چه تیری کرده این مه را کمانی؟! ندا آمد که عالم شد سیه پوش شنیدم نور زهرا گشته خاموش یقین زهرا دو عالم را ستون است اگر لب تر کند کُن فیکون است فلک آغوش خود را می‌کند باز که چون سرباز کوچک کرده پرواز صدا زد محسن شش ماهه از عرش بیا ای اصغر شش ماهه از فرش پدر مانند یک مادر کشید آه به آغوشم بیا فرزند شش ماهه به دور از چشم مادر کرده خاکش در آمد زیر سنگ از خون پاکش اگر چشمان عالم پُر شد از اشک به روی دشت خون افتاده آن مشک گرفته دشت خون بوی گل یاس گمان دارم به خاک افتاده عباس زمین از خون پاکش بوده بیمه به غیر از این زمین می‌شد دو نیمه اگر چه مادرش ام البنین است عزیزی از امیر المؤمنین (ع) است سکنه دید گانش گشته نم دار ولی مشکی نیامد از علمدار علمدار خدا دستش جدا شد چه غوغایی در آن صحرا به پا شد به «هل من ناصر ینصر» خدایا در آور گوهری از دیگر ز دریا صدایی آمد از دریای پر در خدا نامت نهاد آزاده‌ای حُر که اشکت بوی زهرا کرده ابراز برو در آب کوثر خانه‌ای سازهر آن چشمی که بر زهرا شود خون رود گلگون نباشد مرده دون زمین لرزان شد و ناگه بجوشید شده گرما فزون کآمد دو خورشیدیکی خورشید گرمای زرگون یکی خون خدا

خورشید پُر خون اگر شق القمر در آسمان شد به روی نیزه‌ها خورشید عیان شده روی نیزه خورشیدی فراز است که گوید راز این خون‌ها نماز است و گوید حق و باطل را شناسید حسین و شمر قاتل را شناسید که ناید روز عاشورای دیگر نباشد نیزه در قرآن و در سرچو حامد منتظر باشم شب و روز که آید مهدی (عج آن شمس شب افروز السلام علی الحسین و علی بن الحسین و علی أولاد الحسین و علی أصحاب الحسین (ع)) این حسین کیست که عالم همه دیوانه اوست گویند خلاق که به دیوانه قلم نیست من گشتم و دیوانه تو کلت علی الله «حاج رسول خیابانی» هر که عاشق خدا شد معشوق مردم می‌شود» و هر که عاشق حسین شد معشوق خدا می‌شود. همیشه دیده‌اید و یا شنیده‌اید که دریا تشنه رود است حسین (ع) بن علی رودی است که متصل به چشمه کوثر است و دریای عظیم تشنگان عاشق تشنه حسین اند. حسین نیز تشنه چشمه‌ای است که چشمه کوثر تشنه آن است و آن چشمه جوشان بی پایان نور چشم پیغمبر (ص) است یعنی نماز. عاشقان با ذهن خود قایقی بسازید و در دریای دل بیندازید تا با شما سخن گویم همیشه شنیده‌اید که دریا در هوای طوفانی متلاطم و کشتی در آن هنگام در خطر است و کشتیان ترسان از طوفان مخوف حال کشتی حسین را بنگرید که چگونه است این کشتی در هوای طوفانی استوار است و نیز ناجی غریق حتی دریا به کشتی حسین پناه می‌آورد و طوفان هم با دیدن آن آرام می‌گیرد. کربلا در چشم عاقلان خشک و بی آب بود، ولی در چشم عاشقان دریا بود، دریای عشق کشتی حسین به کربلا رسید و لنگر انداخت عاشقان سنگر ساختند، دشمنان تاختند، ولی باختند. می‌خواستند عشق را شکست دهند، در حالی که عشق آنها را شکست داد. و با دلت و خفت مغلوب عاشقان شدند. فاسقان آب به روی عاشقان بستند، ولی آبروی خود بردند و چهره پلید یزید را نمایان کردند. در حالی که سیمای حسین (ع) خورشید تابان شد، حتی نور تابنده حسین از روزه‌های باریک خانه تاریک یزید هم گذشت و بر چهره فرزندش تابید و او را بیدار کرد و فرزند یزید یکی از منادیان مظلومیت آن شهید شد. عجب از عشق که چه‌ها می‌کند. همیشه شنیده‌اید و شاید چشیده‌اید که آب دریاها شور هست ولی دریای حسین (ع) شور عشق دارد. همیشه دیده‌اید و یا شنیده‌اید که تمام دریاها روی زمین هست و نمک در آن فراوان ولی دریای حسین (ع) در فلک است و ملک در آن فراوان گاهی شنیده‌اید که کشتی به گل می‌نشیند و ساحلش گل است ولی کشتی حسین به دل می‌نشیند و ساحلش دل است عرشه اکثر کشتی‌ها از چوب است و مرطوب ولی عرشه کشتی حسین عرش خداست خدای محبوب کشتی حسین بی همتا است زیرا ناخدای آن خداست ناخدایان را کیاست اندکی است ناخدای کشتی امکان یکی است پروین اعتصامی حتماً شنیده‌اید که در کف دریا صدف است و گاهی در آن مروارید، اما در اقیانوس حسین (ع)، صدفی است که شرف دارد بر تمام صدفهای سپید، صدفی که هر گاه لب می‌گشود، عقل و هوش می‌رود. در صدف دریا چیزی نیست جز مروارید ولی در صدف حسین چیزی نیست جز علی (ع). نگه دارنده مروارید دریا کیست جز انسان نگه دارنده مروارید حسین (ع) کیست جز آن بلی نگه دارنده علی (ع) و راه او خداوند است وقتی صدف دریا را باز کنیم صدایی از آن نمی‌آید، اما صدف حسین را که باز کنیم صدای اذان از آن می‌آید. هر صفت خوبی که در دریای هستی موجود است در حسین (ع) بود. او اقیانوس سخای وجود بود. کوفیان می‌گفتند که او محتاج یک رود بود، آیا این گونه بود؟ در حالی که آن رود، مشتاق او بود. رود فرات تشنه مرد دیگری نیز بود. کسی که ماه روی و نکو روی و نکو خوی بود. کسی که برای خاندان عشق شاخه‌ای از گل یاس بود، در دلش سوره ناس در وفا داری الماس برای علف‌های هرزه داس و برای شرم و حیا لباس آن که بود، جز عباس (ع)؟ عباس (ع) چو لب تشنه روان شد لب آن رود لب‌های تمام چشمه‌ها تشنه او بود «مؤلف شنیده‌اید که در دریای کربلا باطلان و قاتلان جلوه داشتند و روی دریا، مانند خزه‌ها مانع می‌شدند از عبور نور خورشید. ولی عاشقان در زیر دریا می‌درخشیدند، مانند مروارید. چه زیبا سروده نا کسی گر از کسی والا نشیند عیب نیست روی دریا خز بروید زیر دریا گوهری پیغمبر (ص) خدا فرمود: إِنَّ الْحُسَيْنَ... مَصْبُوحٌ هَدَى وَ سَفِينَةُ نَجَاةٍ هَمَانَا حُسَيْنٌ (ع) چراغ هدایت و کشتی نجات است» تمام چراغ‌ها عادی هستند و روشن کننده محفل ولی چراغ حسین چراغی است هادی و روشن کننده دل حسین بن علی الگوی ایثار و شهامت با عزت در مقابل ذلت‌ایستاد و سرش برادرش اکبرش و اصغرش و

یاران وفادارش را از دست داد تا اسلام با عزّت زنده شود، ریشه دلت کننده و سوزانده شود، در گوش عالم امر به معروف و نهی از منکر طنین انداز شود، شام شرمنده و کوفه سرافکننده گردد، تیغ سخن اسراء بُرنده شود، طوفان بلا بر سر دشمنان توفنده عاشورا تا ابد پاینده و شکوفه‌های درخت نماز پر از خنده شود. چنین هم شد و با آمدن محرم نیز نوری در دل‌ها و منزل‌ها و محفل‌ها روشن می‌شود. با آمدن عاشورا ذوق شاعران و نویسندگان در بوستان و گلستان نظم و نثر می‌شکفت و شور و شوقی در دل عاشقان به پا می‌شود. محرم گر چه غمناک است و ما در آن عزاداریم ولی خندان که چون بر شاه مردان ما وفا داریم مولف آری وفا داریم و با جان و مال و اموال خود، چون صدف از هدف حسین (ع) محافظت می‌کنیم خود آن حضرت فرمود: «أَجُودُ النَّاسِ مَنْ جَادَ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، سَخِي تَرِينُ مَرْدَمٍ كَسَى اسْتِ كَهْ جَان وَمَالِ خُود رَا دَر رَاهِ خُدا بِيخشد». قال الحسين «أَنْتِي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطَرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَأَنَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْأَصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ مَنْ أَرَى رُوحَ خُودِ خَوَاهِي وَخُوشِ كُذْرَانِي وَ يَا بَرَايَ فُسَادِ وَ سَتَمَكْرِي قِيَامِ نَكْرَمِ مِنْ فِقْطِ بَرَايَ اَصْلَاحِ دَر اَمّتِ جَدّمِ از وَطَنِ خَارِجِ شَدَمِ مِی‌خَوَاهَمِ اَمْرَ بَهِ مَعْرُوفِ وَ نَهیِ از مَنكَرِ كَنَمِ وَ بَهِ سِيرِهِ وَ رُوشِ جَدّمِ وَ پَدَرَمِ عَلِيّ بَنِ ابی طَالِبِ عَمَلِ كَنَمِ» پس هدف از قیام امام این بود: ۱- اصلاح امت پیغمبر؛ ۲- امر به معروف و نهی از منکر؛ ۳- تحقق سیره و روش پیغمبر و حیدر. حسین بن علی به لشکر شقی و نامرد رو کرد و گفت «اگر دین ندارید، لااقل آزاد باشید و جوان مرد» «يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ اِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَكُنْتُمْ لَا- تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا اَخْرَافِي دُنْيَاكُمْ وَ اَرْجُوا اِلَى اَحْسَابِكُمْ اِنْ كُنْتُمْ غَرَبًا تَزْعُمُونَ؛ ای پیروان خاندان ابوسفیان اگر دین ندارید و از روز قیامت نمی‌ترسید، لااقل در زندگی دنیاتان آزاد مرد باشید و اگر خود را عرب می‌پندارید، به نیاکان خود بیندیشید.» در جهان نتوان اگر مردانه زیست همچو مردان جان سپردن زندگیت اقبال لا هوری خون حسین (ع) بر زمین ریخت و باطل را از حق گسیخت و احساس گناه را در وجدان مسلمانان بی‌وفا برانگیخت آه آه اختیار قلم را از دست داده‌ام و این قلم است که دیوانه وار از عشق حسین (ع) به این سوی و آن سوی می‌چرخد و می‌گرید و حرف دلش را به روی کاغذ برف گونه و سپید می‌آورد. قلم نیز در عزای حسین سیه پوش است و در عزای حسین (ع) خانه‌ها نیز سیه پوش هست خدایا چه رازی است که با آمدن محرم با آمدن بوی عشق کوی خود را گم می‌کنیم و سیه پوش و دیوانه وار مدهوش حسین می‌شویم ما عاشق او هستیم و او عاشق نماز. امام حسین (ع) و نماز امام حسین (ع) فرمود: «أَنْتِي أَحَبُّ الصَّلَاةِ؛ مَنْ نَمَاز رَا دُوسْتِ مِی‌دَارَمِ» نماز رازی است که اگر خود پرستی را رها کنیم بی‌شک راز خدا پرستی نماز بر ما آشکار می‌شود. پیامبر گرامی (ص) فرمود: «الصَّلَاةُ بَرَهَانِ نَمَاز، دَلِيلِ رُوشِنِ وَ اَشْكَارِی اسْتِ» نمازی که دلیل آشکار است کلید جنت پروردگار است مؤلف در اهمیّت به یادداشتن نماز همین بس که در ظهر عاشورا نماز را در حضور خداوند رحمان مرد ایمان همراه یاران در آن تیر باران به پا داشت نماز، سگان کشتی حسین (ع) که از جنس طلاست هیچ گاه کهنه نمی‌شود و ارزشمند است و تازگی دارد. همان گونه که کشتی حسین در حال حرکت است نماز عشق نیز ما را به حرکت در می‌آورد و برکت می‌آورد و هر چه پیش‌تر می‌رویم نور نماز بیشتر می‌شود. رسول الله (ص): «الصَّلَاةُ نُورٌ؛ نَمَاز، نُور اسْتِ» نمازی که در آن عشق نباشد، یادی از معشوق هم نیست و ما را به سوی نور سوق نمی‌دهد و در حالت سکون باقی می‌گذارد. و فانی می‌شویم و اگر به نماز با دید کهنگی بنگریم با سستی به نماز می‌ایستیم و هر گاه با کاهلی و سستی نماز خواندیم بی‌تردید از کشتی حسین خارج شده‌ایم کشتی حسین (ع) همیشه در حال حرکت است زیرا روز و شب نمی‌شناسد. حال که قلم چرخید و نام شب از جوهر شبرنگ قلم بیرون آمد، از شب می‌گویم از شب از شب عاشورا، چه لیلۀ القدری بود! شوری در خیمه‌ها به پا بود. هر که در گوشه‌ای مشغول معاشقه با معشوق بود و در دریای دلش با قایقی کوچک به پارو زدن مشغول و قوت هر پارویش ذکر یا حسین (ع) بود. در آن شب همه مشغول عبادت بودند. ژاله از شب زنده داری جلوه زیبا گرفت جلوه زیبا اگر خواهی ره شب را طلب راسخ تهرانی در آن شب نوری از خیمه‌ای چشم را نوازش می‌کرد. خوب که دقت می‌کردی نورشمعی بود که می‌سوخت اما تمام نمی‌شد و صبورانه اشک می‌ریخت در آن تاریکی از روزنه

باریکی نور او، کربلا را روشن کرده بود. آن شمع هیچ‌گاه خاموش نمی‌شود و با هیچ آتشی تمام نه با آتش کین دشمن و نه با خیمه آتش زدن او شمع است سوزان اما جاودان درست است که او با آتش غربت شامیان و کوفیان سوخت ولی جاودان ماند. شمع که پروانه‌ها به دورش تا روز حشر می‌چرخند و درس صبر در سوختن را برای ساختن می‌آموزند شمع که با اشک خود، مشک چشم عاشقان حسین (ع) را پُر کرد. شمع که حُر را دُر کرد. و تشنگی را از کودکان دور. در وصف شمع باید سوخت تا سخن گفت آه آن شمع کیست ساختارش از چیست آری زینب و ساختارش از نماز. «کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود.» ای عاشقان اینک به آسمان بنگرید، همیشه شنیده‌اید و دیده‌اید که بال پرندگان گاهی اوقات خسته و بسته می‌شود، اما پرنده‌ای در آسمان عشق می‌پرد که از شاخه‌ای درخت سیب باغ عاشورا به آسمان رفته است و بالش خسته و بسته نمی‌شود و رسته است و سر دسته ۷۲ پرنده ولی دل شکسته نگاه کنید به اجزای بدن این پرنده بال راستش عشق و بال چپش عقل پرهایش به رنگ سبز، در دلش سوره فجر و در سینه‌اش گل یاس او پرنده‌ای منحصر به فرد و پر از درد، او با تمام پرندگان فرق دارد، پرندگان سردارند و او سر ندارد. سرش از تن آزاد است و پرواز می‌کند و در فراز آسمان آواز نماز سر داده که راز پروازش خداست قال الصادق (ع): «سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحبان بخوانید، زیرا که آن سوره حسین بن علی است و در آن رغبت کنید، خدای شما را رحمت کند.» ابواسامه که در مجلس حضور داشت پرسید: از چه روی این سوره خاص حسین (ع) باشد؟ فرمودند: آیه (یا ایتُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ - ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً - فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي را نشینده‌ای! جز این نیست که حسین بن علی را اراده کرده است او صاحب نفس آرمیده خشنود و پسندیده است و اصحابش از آل محمد: خشنود شوندگان از خدای در روز قیامتند، و او نیز از آنان راضی است این سوره خاص حسین بن علی شیعیانش و شیعیان آل محمد آمده است هر کس در قرائت آن (سوره فجر) مداومت ورزد، با حسین در درجه‌اش در بهشت خواهد بود. همانا، خداوند عزیز و حکیم است. قال الصادق (ع): «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَيْرَ، قَذَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ» (ع) وَ حُبَّ زِيَارَتِهِ؛ هر که خدا خیر او خواهد، دوستی حسین (ع) و علاقه به زیارت او را در دلش اندازد. «دوست داشتن حسین (ع) و اهل بیت خوش بختی دارد، اما دوست داشتن غیر حسین (ع) سختی آرد. خواجه عبدالله انصاری گوید: «دل در خلق میند که خسته شوی دل در حق بند که رسته شوی دوستی با هر که کردم عاقبت قلبم شکست تکیه بر دیوار مردم خاک بر پشتم نشست حال که از جوهر تیره قلم نام خاک بیرون آمد، از خاک می‌گویم هر کسی بر روی خاک بنشیند، بر او خاک می‌نشیند و غمناک می‌نشیند. اما به پیشانی کسی خاک پاک کربلا نشیند، بر کرسی افلاک می‌نشیند. صائب تبریزی گوید: «زیر سقف آسمان خاکی که از روی نیاز می‌توان مُرد از برایش خاک پاک کربلاست هر خاکی تیره و سیاه است اما در خاک حسین نور ماه است که آن هم در سجدگاه با توفیق الله دیده می‌شود. همو می‌گوید: «در خاک تیره دیدن نور صفا کمال است هر طفل می‌تواند مَه را در آب دیدن هیچ مَه‌ری نیست که برای همه چیز، کار ساز باشد اما مهر کربلا، برای همه چیز کارساز است و موجب تأیید نماز. همو گوید: «گر بود مُهر سلیمان چند روزی معتبر تا قیامت سجدگاه خلق مُهر کربلاست» حسین بن علی با چشم دل به خدا می‌نگریست و به آثار خدا پی می‌برد. اما دیگران با چشم ظاهر به آثار خدا می‌نگرند و به وجود خدا پی می‌برند.

ناخدای عشق

دیگران با دیدن آثار او پی به او بردند و آیا این بجاست با نگاه از چشم دل بر نور محض پی به مخلوقات حق بردن رواست درک دریا هم نباشد کار ما غرق در دریای عرفان کار ماست در عبور از بحر عرفان تا به عرش عشق کشتی هست و عاشق ناخداست مولف به راستی چرا با حسین (ع) چنین کردند. او که برای مؤمنان آئینه بود، کشتنش جز کینه چه بود؟ «حافظ در زلف چون کمندش ای دل می‌چ کآن جا سرها بریده بینی بی جرم و بی جنایت خدایا! آیا توفیق یاری حسین را نداشتم که آن زمان در رکاب

او باشم و به «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يُنْصِرُنِي» او لَبِیک گویم پیوسته به گوشم این ندا می‌آید گویا ز گلوی نی نوا می‌آید آواز غریبانه «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ» از حنجر سرخ کربلا می‌آید آه تقدیر من این بوده که در این زمان متولد شوم ای کاش در کربلا بودم و با آنان به درجه عظیم شهادت می‌رسیدم کاش آن زمان که کشتی آل نبی شکست عالم تمام غرقه دریای خون شدی محتشم کاشانی امام رضا فرمود (ع): «يَا بْنَ شَيْبٍ، اِنْ سَرَّكَ اَنْ يَكُونَ لَكَ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلُ مَا لِمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ الْحُسَيْنِ (ع)، فَقُلْ مَتَى مَا ذَكَرْتَهُ: «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا» ای پسر شیبب اگر خوش داری که برای تو مثل ثواب آنان که با حسین (ع) به شهادت رسیده‌اند باشد پس هر گاه آن حضرت را یاد کردی بگو: «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا» نمی‌دانم اسرار این حرکت عظیم چه بوده که سال‌های سال است ذهن تشنه عاشقان و عاقلان سیراب این حرکت ناب نمی‌شود. روزی محتشم کاشانی اظهار می‌دارد که حضرت فاطمه الزهرا ۳ را در خواب دیدم که مرا فرمود: تو که بدین نیکویی مرثیه می‌سرایی چرا در ماتم فرزند من خاموش مانده‌ای از آن روی این مرثیه را ساختم

بارگاه قدس

باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است در بارگاه قدس که جای ملال نیست سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است

مومنین اندکند

حتماً شنیده‌اید که آنان اندک بودند و کم شب‌ها همدم هم روزها مرهم زخم پس چه جای غم چون آنان کم کم به لحظه دیدار خدای لا شریک نزدیک می‌شدند. قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ) ای رسول مؤمنان را بر جنگ ترغیب کن که اگر بیست نفر از شما، صبور و پایدار باشید بر دویست نفر از دشمنان غالب خواهند شد و اگر صد نفر بوده بر دو هزار نفر کافران غلبه خواهند کرد، زیرا آنها گروهی بی دانش‌اند. قال الحسين (ع): «ان الناس عبيد الدنيا والدين لعق على السنتهم يحوطونه مادرت معاشهم فاذا محصوا بالبلاء قل الديانون همانا مردم زیادی بندگان دنیا و دل‌باختگان به متاع آن هستند و با دین تا آن حدی بستگی و علاقه دارند که زندگی خوشی داشته باشند، ولی زمانی که با گرفتاری آزمون گردند دین داران در اقلیت قرار خواهند گرفت. واقعه کربلا صاعقه بلا بود، بر سر اشقیاء بزرگ‌ترین حادثه و زُخداد، بزرگ‌ترین رویداد و جهاد توسط فرزند عدل و داد در کربلا- اتَّفَقَ افتاد. «وَأَنْ تَكُنَ الْإِلَٰهَةُ لِلْمَوْتِ أَنْشَأَتْ فَقَتْلُ أَمْرٍ بِالسَّيْفِ فِي اللَّهِ أَفْضَلُ» (امام حسین ع) «و اگر بدن‌ها برای مرگ آفریده شده است پس کشته شدن مرد در راه خدا چه بهتر». حوادث کربلا قابل قیاس با حوادث دیگر نیست به عنوان مثال خداوند جلیل به ابراهیم خلیل در مورد فرزندش اسماعیل پیامی داد که او را به جایی برد و جان‌ش بستاند. پس از مدتی از خداوند پیام آمد که تیغ در نیام رود، امّا در آن قیام امام کودک تشنه کام را از خیمه‌ها به طرف لشکر سام برد، که پس از چند کلام ناتمام ناگه تیری از یک خون‌آشام به کام طفل امام خورد و امام همام دستش را چو جام پُر از خون کودک کرد و فرستاد به سوی آسمان روی بام و طفل خوش نام را گام به گام به سوی خاک سیه فام برد و به خاک سپرد. انتقام خون امام (ع) با خداوند است والسلام او بود خون خداوند و خدایش خون بهاست هیچ کس را در بر حق این جلال و جاه نیست صغیر» رازهای نگفته و نهفته و نشکفته کربلا- فراوان است مانند رازهای نهان خداوند جهان و من در این میان حیران و نادان هیچ کس از سِر شاه کربلا آگاه نیست هم چنان که هیچ کس آگاه ز سِر الله نیست صغیر»

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دالود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

گامی



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹